

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان انقلابی افغانستان

۲۰ اگست ۲۰۱۷

کار دموکراتیک انقلابی و غیر انقلابی

ریفورم و ریفورمیزم

(۴)

دو اصطلاحی که باید در کار دموکراتیک میان آنها تفکیک قائل شد، ریفورم و ریفورمیزم است. انقلابیون طرفدار ریفورم هستند، نه ریفورمیزم. ما برای این از ریفورم حمایت می کنیم که اعتراض برای ریفورم و اصلاحات، همبستگی زحمتکشان را تقویت می کند؛ به غارتگران پیام می دهد که طبقات تحت ستم قطعاً معترض هستند و تن به غارت بی حد و حصر طبقات حاکمه نمی دهند و مبارزه صنفی برای ریفورم و اصلاحات باعث قدری کاهش ستم و فشار بر توده های زحمتکش می شود.

کمونیست ها به تلاش های طبقات زحمتکش در زمینه ریفورم ارزش می دهند و از کوچکترین زمینه ای که برای ریفورم میسر می گردد، حداظمی استفاده می کنند؛ با توجه به این که فراموش نمی کنند که ریفورم راه نجات ستمکشان نیست و نمی توان از طریق آن جامعه عاری از استعمار و استثمار بنا کرد. کمونیست ها باور دارند که از ریفورمی که وضعیت زحمتکشان را بهبود می بخشد، باید قاطعانه دفاع شود و مبارزه و تلاش برای آن تشدید گردد. کمونیست ها مبارزه برای ریفورم را تابع مبارزه برای کل می سازند. اگر هدف از حمایت از اقدامات ریفورمی خدمت به مبارزه انقلابی و سوسیالیزم و تشدید مبارزه طبقاتی نباشد، قطعاً ریفورمیزم است که در ضدیت با مارکسیزم قرار دارد و مبارزه علیه آن از وظایف مهم کمونیست ها به شمار می رود.^۱

ریفورمیست ها تاکتیک ها و ستراتیژی های انقلابی و هدف نهائی و غایی کمونیست ها را به اصلاحات محدود می سازند و در صدد دگرگونی بنیادی جامعه نبوده، با ریفورمیزم سبب تداوم غارت طبقات حاکمه و ستمگر می شوند و پرولتاریا و توده ها را تحت قیمومیت دایمی سرمایه داران و طبقات حاکمه قرار می دهند.

ریفورم و ریفورمیزم در فعالیت علنی نیز تبارز می نماید. کمونیست ها مبارزه برای ریفورم را در فعالیت علنی تأیید نموده اما ریفورمیزم را مطرود می دانند و فعالیت دموکراتیکی را که به محور ریفورمیزم بچرخد، ویرانگر و

^۱ سوسیال دموکراسی انقلابی مبارزه برای اصلاحات را مانند جزئی در مقابل کل، تابع مبارزه انقلابی در راه آزادی و سوسیالیزم می نماید. (چه باید کرد؟. لنین)

ارتجاعی می خوانند. در صورتی که انقلابیون با رعایت احتیاط و خط کشی دقیق نتوانند فعالیت علنی شان را مطابق با شرایط و اوضاع و تحلیل از شرایط خاص جامعه عیار سازند و هدف نهائی و غائی انقلابی را فراموش و مفتون قانون اساسی رژیم پوشالی شوند، به ریفورمیسم می غلتند؛ امری که دولت حاکمه از آن سود می برد و سبب استحاله تدریجی یک سازمان انقلابی به یک سازمان ریفورمیستی بی خاصیت می شود که مشغله آن را حرکت های ریفورمیستی و خرده کارانه تشکیل می دهد. اگر حرکت های اعتراضی علنی نتواند ضربه ای بر کلیت نظام وارد سازد، حرکت نظام را به درجات مختلف مختل سازد و حاکمان را نگران و دچار وسوسه کند، بلکه نظام آنها را برای شعارهای کذائی دموکراسی و آزادی بیان و آزادی تشکل سازی (از شعله ئی گرفته تا بنیادگرا و پرچمی و طالب و خلقی و تکنوکرات) تبلیغ کند، این نوع کار علنی یک کار قبیح ریفورمیستی است که جداً باید از آن پرهیز شود.

اولین ویژگی ریفورمیست ها حفظ فعالیت علنی به هر صورت ممکن تا سطح علنی گرائی است. ریفورمیست ها نهادهای مختلفی را به منظور فعالیت های ریفورمیستی خود به کار می گیرند. آنان با آدرس ها و شعارهایی وارد کار علنی می شوند که به مذاق اشغالگران و دولت پوشالی خوش می آید و از آن استقبال می کنند. مثلاً حمایت از تجاوز اشغالگران تحت نام مستعار حمایت از حضور «جامعه جهانی» به ضد جنگ سالاران یا دادخواهی از یوناما و ملل متحد برای محاکمه جهادی ها و اخذ مدال های «زن شجاع» و «چهره سال» و... از اشغالگران و پادوان شان. این نوع فعالیت ها و حرکت ها، بر اندام دژخیمان ترس و لرز نمی اندازد، بلکه سفارت های اشغالگران با دل و جان به استقبال آنها می روند.

دومین ویژگی ریفورمیست ها فراموش کردن حزب انقلابی است. آنان حزب مخفی انقلابی را فلتر مبارزه و انقلابی بودن اعضاء نمی دانند، بلکه حزب علنی را فلتر انقلابی بودن قرار می دهند و باور دارند که کسی که از فلتر حزب قانونی علنی نگذرد، انقلابی نیست. ریفورمیست ها در بهترین حالت، حزب ظاهراً مخفی را تنها منحصر به دایر نمودن جلسات بی نظم آموزشی می سازند که در آن محور بحث ها عمدتاً حول و حوش فعالیت های علنی قانونی می چرخد. سومین ویژگی ریفورمیست ها، ارائه شعارهای مبتذل و آلوده با کرنش و سازش است. شعارهای ریفورمیست ها با اصول انقلابی پیوند ندارد، بلکه با منافع اپورتونیستی آنان سازگاری دارد، مثلاً شعار می دهند که «انتخابات لگدی بر پوزه جنگسالاران»؛ و یا بوزینه پیری مثل ظاهرشاه را با این شعار که «ظاهرشاه می آید اخوان می لرزد» چنان در نشرات دموکراتیک شان می پندارند تو گوئی او منجی توده های ستمدیده از تیغ بربریت اخوانی هاست؛ و یا هم در اوج جنایت و شناعت شورای نظار در مورد احمد شاه "مسعود" این قاتل رفقای جنبش انقلابی و توده های تهیدست می نویسند که «از جنایت او خبری ندارند» و...

چهارمین ویژگی ریفورمیست ها، فراموش کردن هدف نهائی است. ریفورمیست ها سر و ته شعارهای شان را می زنند تا هدف نهائی در غباری از ابهام گم شود. در تبلیغات ریفورمیست ها نمی توان هدف نهائی را سراغ کرد. ریفورمیست ها هدف نهائی را از تبلیغات شان حذف می کنند و با مماشات و سازش با دشمنان مردم، نه تنها برای هدف غائی حرفی نمی زنند، بلکه با کنار گذاشتن آن، با کنار گذاشتن جوهر طبقاتی شعارهای شان، شعارهای مود روز را که به مذاق امپریالیست ها خوش می آید، ترویج می کنند.^۲

پنجمین ویژگی ریفورمیست ها، گرایش به سوی پوپولیسم است که از اپورتونیسم راست ناشی می شود. ریفورمیست ها به جای اصول انقلابی و تئویر اذهان توده ها در عرصه، به دنباله رو توده ها تبدیل می شوند و به ارائه شعارهای عام

^۲ هنگامی که «هدف نهائی» (حتی در رابطه با دموکراسی) از تبلیغات ما هر چه بیشتر کنار زده شود با رفرمیسم روبه رو هستیم. (مارکسیزم و رفرمیسم - لنین)

پسند روزانه رو می آورند. ریفورمیست ها نمی توانند پیشاهنگ طبقه کارگر و حامی منافع زحمتکشان باشند، زیرا تسلیم شدن به پوپولیزم، برش انقلابی نیروهای مبارز را از میان می برد و انقلابیون را به کتله ای از اکونومیست هائی تبدیل می کند که هم و غم شان را تأمین منافع روزانه می سازد.

تشکلات انقلابی ضمن طرد ویژگی های ریفورمیستی و ریفورمیزم، با حفظ اصول انقلابی فعالیت های علنی شان را سر و سامان می دهند و از ریفورم برای هدف غائی استفاده می برند. در صورتی که فعالیت در راستای ریفورم توسط یک سازمان بلشویکی رهبری نگردد، مبارزه برای اصلاحات به اکونومیزم و ریفورمیزم تبدیل می شود که بر پیکر جنبش انقلابی لطمه وارد می سازد و بدون شک به تقویت سیاست های اشغالگرانه امپریالیست ها کمک می کند.

ادامه دارد